

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا
سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۲۴، پیاپی ۱۱۴، زمستان ۱۳۹۳

بلدیه و بهداشت عمومی در دوره‌ی پهلوی اول

سهیلا ترابی فارسانی^۱
مرتضی ابراهیمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۴

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۶/۸

چکیده

بلدیه به‌عنوان یک نهاد جدید، از دوره‌ی مشروطه فعالیت خود را آغاز کرد و در دوره‌ی رضا شاه به‌صورت جدی‌تر به فعالیت‌های خود در زمینه‌ی شهرسازی، نظافت شهرها و تأمین احتیاجات شهروندان پرداخت. بخشی از اقدامات بلدیه در زمینه‌ی بهداشت عمومی جامعه بود. اسناد این دوره به‌روشنی نشان‌دهنده‌ی تلاش بلدیه برای سروسامان دادن به وضعیت بهداشتی جامعه هستند. نظارت بر حمام‌ها و مغازه‌های اغذیه‌فروشی، نظارت بر پزشکان و داروخانه‌ها، تلاش برای گسترش بیمارستان‌ها، نظارت بر اصنافی که

۱. استادیار تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد. Tfarsani@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد. morteza_ebrahimi1360@yahoo.com

به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با بهداشت و سلامت مردم ارتباط داشتند، توجه به بهداشت زنان، توجه به بهداشت عمومی جامعه و فرهنگ‌سازی در این موارد و... از جمله اقدامات بلدیة درزمینة بهداشت جامعه بودند. پلیس صحی بلدیة، مفتشین بلدیة و پیگیری‌های قضایی این نهاد، از اقداماتی بودند که بلدیة برای اجرایی کردن دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های خود انجام می‌داد.

در تحقیق حاضر، با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از اسناد مدارک آرشیوی و کتاب‌ها و مجلات، به بررسی فعالیت‌های نهاد بلدیة درزمینة بهداشت عمومی در دوره‌ی پهلوی اول می‌پردازیم. هدف این تحقیق، بررسی فعالیت‌های نهاد نوپای بلدیة در دوره‌ی پهلوی اول درزمینة عملکردهای اجتماعی آن است. در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که در اثر فعالیت نهاد بلدیة در دوره‌ی پهلوی، چه تغییراتی در وضعیت بهداشت عمومی جامعه ایجاد شد. برای پاسخ به این پرسش، ابتدا به‌طور کوتاه اوضاع بهداشتی ایران در اواخر دوره‌ی قاجار و دوره‌ی پهلوی اول را توضیح می‌دهیم و سپس وظایف بهداشتی بلدیة در چارچوب ساختار قانونی‌اش و اقداماتی را که در حوزه‌ی بهداشت عمومی انجام داد، بررسی می‌کنیم.

واژگان کلیدی: بلدیة، بهداشت، رضا شاه، پلیس صحی.

۱. مقدمه

«قرن‌ها مرسوم بود که مردم خود خدمات بلدی را در حدود وسعت محیط خویش و براساس وجدان شخصی یا معتقدات دینی و یا آداب و رسوم محلی، بدون مداخله‌ی حکومت و دولت انجام می‌دادند» (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۱۲۸). در دوره‌ی قاجار، امور

نظافت شهرها برعهده‌ی عده‌ای بود که به مناسبت کارشان، در زبان محاوره «احتساب» نامیده می‌شدند؛ یعنی «درحقیقت عمل و عامل را به یک نام می‌خواندند و نخستین کسی را که به این عنوان در کتب دوره‌ی ناصری نام برده‌اند، میرزا محمود خان کاشانی بود که بعدها لقب احتساب‌الملک یافت» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۵۰). بدین ترتیب، در دوران قاجاریه، اداره‌ای موسوم به احتسابیه تشکیل شد که دارای احتساب و نظیف بود (سلطان زاده، ۱۳۶۵: ۲۱۹). این اداره وظیفه‌ی شهرداری فعلی را برعهده داشت. در سال ۱۲۸۵ه.ش، با تشکیل حکومت مشروطه در ایران و تحت تأثیر افکار روشنفکران و نیاز مردم به تشکیل نهادهای تقریباً مستقل، تغییر و استقرار نظامات اداری جدید بسیار مورد بحث و بررسی قرار گرفت؛ بنابراین، در این سال، بلافاصله پس از تصویب قانون اساسی، سه قانون دیگر نیز به تصویب رسید: قانون انجمن‌های ایالتی، قانون بلدیّه و قانون تشکیل ایالات و ولایات (نیامی، ۱۳۴۹: ۹).

قانون بلدیّه را می‌توانیم اولین مجوز قانونی تشکیل شهرداری در ایران به‌شمار آوریم؛ به عبارت دیگر، با تصویب این قانون اولین اقدام برای تشکیل یک نهاد رسمی برای مدیریت شهر در قالب نظام جدید اداری در ایران تشکیل شد (کاظمیان و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۳: ۳۴). در این قانون، وظایفی برای بلدیّه در نظر گرفته شده بود که ماده‌ی چهار و شش آن ویژه‌ی وظایف بهداشتی بود. در ماده‌ی چهار، «ساختن و پاک نگاه داشتن کوچه‌ها، میدان‌ها و خیابان‌ها از پیاده‌رو و کالسکه‌رو، باغ‌های عمومی، مجاری میاه، زیرآب‌ها، پل‌ها، معابر و غیره و همچنان روشن کردن شهر و تقسیم آب‌های شهری و مراقبت در تنقیه قنوات و پاکیزگی حمام‌ها» و در ماده‌ی شش، «معاونت در اقدامات حفظ‌الصحه، حفظ دواب و حشم، تأسیس دواخانه‌ها و امثال آن» جزو وظایف بهداشتی بلدیّه بودند. وظایف بخش نظافت بلدیّه به‌صورت زیر بود:

دایره‌ی نظیف علاوه‌بر نظیف آب‌پاشی خیابان‌ها و حدود مقرر از تخطی و تجاوز کسبه و غیره در معابر جلوگیری نموده و همین قسم از پیش‌آمدگی خیابان‌ها و بناهای واقع در معابر و جلوگیری در ریختن کثافات و رختشویی در مجاری میاه اقدام نظارت دارند و همیشه پس از انجام نظیفات در تسطیح و ساختمان

خیابان‌ها هم کمک می‌نمایند و تقریباً در هر ماه پنج‌هزار چرخ زباله هم از شهر خارج می‌کند (نیل‌قاز، ۱۳۸۸: ۱۰۰۹).

همچنین، طبق ماده ی ۹۰ این قانون، وظیفه ی وضع قواعد و مقررات درباره ی موضوعاتی مانند بهداشت و نظافت و ایمنی شهری برعهده ی انجمن بلدیة بود. براساس این ماده، انجمن بلدیة می‌توانست قواعد را درباب نظیفات کوچه‌ها و دستورالعمل‌های راجع به ساختن پشت‌بام‌ها و ناودان‌ها و پاکیزگی مجاری و اقدامات ضد عفونت و تمیزی میدان‌ها و اقدامات ضد حریق و حفظ حراست اهالی از مواد محترقه و ... تنظیم کند.^۱

در زمینه ی حفظ بهداشت عمومی، وظایفی برعهده ی بلدیة گذاشته شد که یکی از آن‌ها رسیدگی به وضعیت بهداشت شهرها و ساکنان آن بود. وضعیت بهداشتی شهرها در دوره ی قاجار بسیار بد بود. برخی از سیاحانی که از شهرهای مختلف ایران دیدن کرده بودند، به وضعیت بهداشتی معابر اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه، فوریه درمورد وضعیت بهداشتی بسیار بد تهران می‌نویسد: «[آلودگی و کثافت] بی‌نهایت است؛ مخصوصاً پایین بازار و در کوچه‌هایی که راه میدان قاپوق و میدان مال‌فروش‌ها و محله ی یهودی‌هاست، ممکن نیست که انسان از آن‌ها بگذرد و دائم با بوی عفونت لاشه ی مردار همراه نباشد» (فوریه، ۱۳۶۳: ۱۴۰). وضعیت اصفهان هم به همین صورت بود: «شهر مملو از کثافت است. در هیچ قسمت اصول صحی مراعات نمی‌گردد. امراض مقاربتی فراوان سایر امراض هم بی‌شمار» (اخگر: ۱۳۰۷/۱۱/۱۶). در این شهر، بیماری‌های عفونی و خطرناک بسیار شایع بود (اشراقی، ۱۳۷۸: ۶۱۷). روزنامه ی فرهنگ در شماره ی ۷۰ خود مذبح عمومی میان شهر اصفهان را «اسباب عفونت کلیه و تعفن خون و سایر فضولات بدنی حیوانات از اثر حرارت شمس در مسلخ عمومی شهر» ذکر می‌کند (رجایی، ۱۳۸۳: ۲۱۶). وضعیت بروجرد هم اسفناک بود:

کثافت آن از حد گذشته، به محض آنکه از حصار آن داخل شدید، غیر از خرابه و کثافت چیز دیگری نمی‌بینید، تمام کوچه‌ها کج و معوج و بازارهای تنگ و

۱. برای اطلاعات بیشتر، نک: ایمانی، ۱۳۹۰: ۶۹.

تاریک آن به همین حال است و از همه جا هر نوع رایحه‌ی کریهه به مشام می‌رسد. چاله‌ی مستراح غالب خانه‌ها به طرف کوچه‌ی بازار است و در وسط شهر بالوعه‌ی بزرگی است که تمام کثافات به آنجا می‌رود و خدا داناست که تاکنون چیزی از آن برداشته شده یا نه؟ آفتاب هم نمی‌تواند همه چیز را از بین ببرد و همه جا را خشک و سالم کند. بروجرد تنها وسیله‌ی ضدعفونی که دارد همین آفتاب است که در ممالک حاره کم‌وبیش این کار را می‌کند (فوریه، ۱۳۶۳: ۲۷۵).

دیولافوا با دیدن کوچه و معابر کثیف بوشهر اظهار کرد که «شهری را به این کثیفی ندیده‌ام» (دیولافوا، ۱۳۷۸: ۵۰۳).

وضعیت آب آشامیدنی مردم هم مناسب نبود. آبی که مردم استفاده می‌کردند، آلوده و منشأ بیماری‌های گوناگون در سطح شهر بود. آب مصرفی تهران به وسیله‌ی نهرها، قنات‌ها، آب‌انبارها، رودخانه‌ها، نهرها و جوی‌ها تأمین می‌شد و از آنجا که این مراکز آب آشامیدنی روباز بودند، به راحتی مردم خاک‌روبه‌های خود را در آن‌ها می‌ریختند و یا در آن‌ها رخت‌های خود را می‌شستند. مجاری انتقال آب هم وضعیت مناسبی نداشتند؛ به طوری که «در اثر نقصی که در ساخت مجاری آب است، آب خیلی زود فاسد می‌شود و با بقایای گیاهی و حیوانی درهم می‌آمیزد و در نتیجه، منبع تب‌نوبه و اسهال خونی می‌شود» (پولاک، ۱۳۶۸: ۵۸).

به دلیل وضعیت بد بهداشت جامعه در این زمان، بلدیة به عنوان نهاد متولی برای بهبود اوضاع بهداشتی وارد عمل شد. بلدیة ساختار سازمانی خاص خود را داشت و دارای قسمت‌های مختلف با وظایف متفاوت بود که در ادامه به شرح بخش‌هایی از این نهاد می‌پردازیم.

بلدیة شش اداره داشت؛ «اداره‌ی صحیه و معاونت عمومی»، «اداره‌ی محاسبات و عایدات»، «اداره‌ی امور خیریه»، «اداره‌ی ساختمان، روشنایی و میاه»، «اداره‌ی تفتیش، سجل احوال، احصائیه و نشریات» و «اداره‌ی کابینه‌ی پرسنل، تنظیمات، ملزومات، اجرایات و رسومات». اداره‌ی صحیه و معاونت عمومی بلدیة در اسفند سال ۱۲۹۹ تشکیل شد و سیزده پست امدادی برای معالجه‌ی فقرا و ضعفای شهر تأسیس کرد که علاوه بر معالجه، داروی

مجاننی ہم می دادند. پلیس صحی بلدیہ یکی از بخش‌های بلدیہ بود کہ برای نظارت بر امور نظافت و شهرسازی و ساختمان‌سازی، ایجاد شد و در بہ وجود آمدن آن، ردپای غربیان دیدہ می‌شود. عبد اللہ بہرامی، کارمند بلند مرتبہی بلدیہ در سال ۱۳۰۰، در نشریہی بلدیہ نوشتہ است:

در انگلستان قانونی هست کہ طبق آن ہر کس مشاہدہی کثافت یا ملاحظیات غیر صحی در خانہی دیگری نماید، ولو اینکہ ہمسایہی او ہم نبودہ و با او هیچ مربوط نباشد، می‌تواند بہ ادارہی بلدیہ اطلاع دادہ و متخلفین از مقررات صحی را مورد مجازات و جریمہ قرار دہد. در اغلب شهرهای معمورہی عالم، یک قسمت از پلیس صحی مأمور رسیدگی و تفتیش خانہ‌ہاست، حتی قبل از شروع بہ ساختمان جدید، نقشہی بنا باید بہ نظر مأمورین این ادارہ برسد (بلدیہ، ش ۳: ۵).

قانون بلدیہ مصوب سال ۱۳۰۹، بہ بلدیہ‌ها اجازہ دادہ است کہ برای تأمین بودجہی خود در زمینہی مسائل بہداشتی، عوارض مصوب خود را از شهروندان دریافت کند: طرز وضع عوارض مزبور بہ این نحو خواهد بود کہ انجمن بلدیہی ہر محل عوارضی را کہ برای تأمین مقاصد مذکورہ در فوق لازم می‌داند، توسط رئیس بلدیہی محل بہ وزارت داخلہ پیشنهاد خواهد نمود، پس از موافقت ہیئت دولت، بہ موقع اجرا گذارده خواهد شد (اسناد ریاست جمہوری: ش ۱/۲۶۷).

۲. وضعیت بہداشت در دورہی رضا شاہ

در ابتدای دورہی رضا شاہ، وضعیت بہداشتی مناسبی وجود نداشت؛ بہ طوری کہ مردم بہداشت عمومی را رعایت نمی‌کردند، امکانات بہداشتی از قبیل بیمارستان‌ها و بہداری‌ها و نظافت معابر و آب‌ہا بسیار کم بود و پزشکان آموزش دیدہی ایرانی بسیار کم بودند و استفادہ از پزشکان خارجی بسیار دیدہ می‌شد (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران: ش ۵/۱۳۵/۲۶/۱/۹۴). احداث درمانگاہ‌ها، درمان رایگان بینوایان، جلوگیری از ادامہی کار پزشکان خارجی و تلاش برای استفادہ از نیروهای ایرانی و تربیت پزشکان و پرستارهای

جدید و گسترش بهداری‌ها و بیمارستان‌ها در تمام شهرهای کشور، از جمله اقدامات انجام شده در این زمان بودند (گیلمور، ۱۳۵۴: ۱۳۸).

سیاست‌های بهداشتی دولت در راستای دو هدف اجرایی می‌شد. هدف اول ارتقای سطح آگاهی‌های بهداشتی مردم در زمینه‌ی خطرانی بود که سلامت آن‌ها را تهدید می‌کرد و در همین راستا، از منابع آگاه‌کننده‌ی بهداشتی متعددی استفاده شد. در طیف وسیعی از این آگاهی‌ها، از خرافات و روش‌های سنتی و قومی تا الگوهای علمی وجود داشتند و عوامل متعددی چون سازمان‌های آموزشی، خانواده، دوستان و آشنایان، سازمان‌های علمی و وسایل ارتباط جمعی در تکوین آن دخالت می‌کردند (اتحادیه و ملک‌زاده، ۱۳۸۸: ۳). هدف دوم ایجاد و تقویت انگیزه و گرایش‌های بهداشتی مردم بود. مردم نسبت به خطرانی که سلامتشان را تهدید می‌کرد آگاهی‌های لازم را نداشتند؛ از این رو، با در نظر گرفتن نقش کلیدی برای پزشکان و سایر عوامل حوزه‌ی بهداشت، تصمیم گرفتند به ایجاد انگیزه در بیماران و رعایت جنبه‌های انسانی در حرفه‌ی پزشکی بپردازند (محسنی، ۱۳۷۵: ۷۲) و وضعیت بهداشتی مملکت را به‌سوی استانداردهای لازم سوق دهند.

با آموزش‌هایی که در جامعه از طریق رسانه‌های دولتی هدایت می‌شد (روزنامه‌ها، کتاب‌های درسی و برنامه‌های بهداشت عمومی دولت که توسط نهاد بلدیة در محلات پیگیری می‌شد)، بستر جدیدی از اطلاع‌رسانی عمومی در جامعه و محیط زندگی افراد به وجود آمد که تمامی اقشار جامعه، به‌ویژه زنان و کودکان را دربر می‌گرفت. مطالبی سودمند در باب بهداشت کودکان و دستورات بهداشتی عمومی برای جلوگیری از بیماری‌ها در روزنامه‌ها درج می‌شد. بدیهی بود که این اقدامات برای روشن شدن افکار عمومی و آشنایی مردم با دستورات لازم بهداشتی صورت می‌گیرد (ساتن، [بی تا]: ۳۹۵). به‌مرور و با اقدامات انجام‌شده، مردم به وجود نهادهای بهداشتی که موجب بهبود زندگی آن‌ها می‌شد، وابسته شدند و بسیاری از شهرهای ایران خواستار بلدیة و صحیة و ... در شهر و محله‌شان شدند (همان: ش ۷/۱۳۵/۲۴/۱/۳۳).

مردم شهرهای مختلف، مانند خلخال (همان: ش ۶/۲۴/۱۶/۲/۱۶۳)، بندر لنگه (همان: ش ۶/۳۲/۱۷/۳/۲۰۷)، نجف‌آباد (همان: ش ۶/۴۳/۲۰/۱/۱۴۹) و ...، از وضعیت بهداشتی

شهرهایشان رضایت نداشتند و از حکومت مرکزی می‌خواستند که در شهرشان بلدیة تأسیس کند. با تأسیس بلدیة در شهرهای مختلف ایران، این نهاد به فعالیت‌هایی برای تأمین نیازهای شهروندان پرداخت. در زمینه‌ی بهداشت عمومی جامعه، اقدامات بلدیة در چندین محور انجام و پیگیری شد که در ادامه شرح می‌دهیم.

۳. اقدامات بهداشتی بلدیة

۳-۱. بالا بردن بهداشت حمام‌ها

وضعیت بهداشتی حمام‌ها در شهرهای مختلف ایران نامناسب بود. بنابر نوشته‌ی روزنامه‌ی «خگر»، «حمام‌های اصفهان بی‌اندازه کثیف و ناشر میکروب امراض مختلفه است» (اخگر: ۱۳۰۷/۸/۲۳). در این زمان، در حمام‌ها از خزینة استفاده می‌کردند. آبگیری این حمام‌ها به این صورت بود که خزینة را مانند آب‌انبار از محل آب‌های جاری پر می‌کردند، در زیر آن دیگی از جنس مس می‌گذاشتند و از زیر به آن حرارت می‌دادند. مردم برای استحمام وارد این خزینة می‌شدند و طبعاً هر کس مقداری آلودگی به آب اضافه می‌کرد و بدین طریق آب خزینة‌ها مملو از کثافت و آلودگی و عوامل بیماری‌زا می‌شد. گاه ماه‌ها می‌گذشت و به دلیل کم‌آبی و یا عوامل دیگر، این آب را عوض نمی‌کردند. جالب است که برخی از مردم مقداری از این آب را به‌عنوان تبرک می‌نوشیدند و به هم تعارف می‌کردند (افاضلی، ۱۳۷۳: ۱۱۲).

بلدیة برای ارتقای وضعیت بهداشت حمام‌ها، حمامی‌ها را مجبور کرد که از دوش استفاده کنند (اخگر: ۱۳۱۱/۱۱/۲۴). این اقدام بلدیة موجب مخالفت عده‌ای از مردم شد که به شیوه‌ی سنتی عادت داشتند؛ اما بلدیة در این زمینه سختگیری لازم را به‌عمل آورد (سازمان اسناد ملی ایران: ش ۲۹۳۳۲۰۴۶ و ۳۵۰۹۲۶۱).

دولت برای تشویق مردم به استفاده از حمام‌های دوشدار، اعلان‌هایی منتشر کرد و در آن‌ها به مزایای استفاده از آن‌ها اشاره کرد. برای نمونه، به اعلان شهرداری اصفهان توجه کنید:

چون رفتن در آب خزانهای حمام‌های عمومی موجب ابتلا به امراض مسریه می‌شود، لذا چندی است که از طرف شهرداری اخطار شده در حمام‌ها دوش بسازند و مهلتی که برای ساختن دوش داده شد، منقضی و شهرداری مشغول تعقیب متخلفین می‌باشد؛ لذا به عموم اهالی توصیه می‌شود از نقطه نظر بهداشت عمومی به شهرداری تشریک مساعی نموده، حتی المقدور از داخل شدن به خزانه‌های عمومی خودداری و کوشش نمایند به حمام‌هایی بروند که دوش داشته باشند و از رفتن به حمام‌های بی‌دوش احتراز نمایند. شهردار اصفهان (مستشار) (اسناد بلدیة اصفهان: ش ۳۰۹).

این سخت‌گیری‌ها موجب بروز اعتراضاتی از سوی حمامی‌ها می‌شد که البته بی‌فایده بودند و آن‌ها باید به این تغییرات گردن می‌نهادند (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران: ش ۱۰/۱۷۵/۲۵/۱/۵).

بلدیة نظام‌نامه‌ی حمام‌ها را در یک مقدمه و چهار فصل ارائه داد که فصل اول راجع به نظافت، فصل دوم راجع به وظایف کارگران، فصل سوم مربوط به اسباب و ملزومات مستعمله در حمام و فصل چهارم در مورد مشتریان بود.

کلیه‌ی حمام‌های عمومی مردانه و زنانه باید دارای یک دستگاه دوش عمومی باشد که شیرهای دوش مزبور متعدد و استفاده از آن برای کلیه‌ی مشتریان آزاد باشد. کارگران حمام باید توسط اطباء صحتی معاینه شده، تصدیق صحت مزاج دریافت دارند. استاد حمامی باید از ورود اشخاص مظنون به داشتن جراحات خارجی، از قبیل کچلی، کوفت و غیره به حمام جلوگیری نماید. روغن مالی در حمام به کلی ممنوع است (اخگر: ۱۳۱۱/۳/۲۶).

۲-۳. واکسیناسیون و مقابله با خرافات مردم در این زمینه

یکی از اقدامات بلدیة، پیشگیری از بیماری‌های مسری از طریق واکسیناسیون مردم بود. به دلیل فضای جاهلی و خرافاتی جامعه‌ی آن روز، برای روشن کردن اذهان مردم یک سری اقدامات فرهنگی لازم بود که بلدیة در این زمینه انجام داد. یک نمونه از آن اقدامات، اعلان زیر است که بلدیة اصفهان به جراید وقت داده بود:

از طرف ادارہی بلدیہ- از قرار معلوم ادارہی محترم صحیہ آبلہ کوبان را کہ برای تلقیح عمومی بہ محلات شہر بہ ہمراہی آژان درب خانہہا فرستادہ اند اہالی بہ واسطہی نادانی و خیالات باطل از تلقیح اطفال و خانوادہی خود خودداری نمودہ اند؛ لہذا بہ عموم طبقات اعیان و اشراف و خانوادہہای محترم اخطار می شود کہ آبلہ کوبان را بہ منازل خود پذیرفتہ و آبلہی خود را کوبیدہ و تصدیق تلقیح دریافت و بہ اطرافی ہای خود و خانوادہہایی کہ آمدورفت دارند تشویق نمایند کہ مسئلہی آبلہ کوبی در میان اہالی شایع و توہم بیجای طبقہی نادان بر طرف گردد. نظر بہ اینکہ مسئلہی آبلہ کوبی حتمی لاجری (لازم) و باید از این بلای میرم عمومی جلوگیری شود، عموم اہالی را آگاہ می نماید کہ باید خود را حاضر بہ تلقیح نمایند کہ کاملاً صحت آنہا محفوظ بماند (اسناد بلدیہی اصفہان: ش ۵۹).

۳-۳. تذکر درمورد تبلیغات بی اساس برخی از پزشکان

بلدیہ برای روشن کردن اذہان عمومی، اعلانہایی صادر می کرد کہ در آنہا نحوہی معالجہ و طول درمان برخی از بیماریہا را شرح می داد و از مردم می خواست فریب تبلیغات بی اساس برخی از پزشکان را نخورند. سند زیر نمونہای از آن اعلانہا است:

غالباً دیدہ می شود کہ پارہای از اطباء برای جلب مشتری اعلان می کنند کہ مرض سفلیس را در ظرف مدت کمی، مثلاً یک یا دو ماہ، بہ طور قطع معالجہ می کنند [...] صحیہی شہرداری اعلام می کند کہ سفلیس از امراضی است کہ یک ماہ و دو ماہ معالجہ نمی شود و شخص مبتلا باید سہ، چہار سال بہ دستور طیب دانا مداوا نماید تا از علاج قطعی مرض مطمئن گردد [...] لذا بہ مبتلایان بہ سفلیس اکیداً توصیه می شود کہ بہ بعضی از اعلانات بی اساس کہ بعد از این از نشر آنہا جلوگیری خواہد شد، مغرور نشوند و برای علاج خود بہ اطباء ماهر و یا مؤسسات صحی (بیمارستان شہرداری) (شفابخانہی خورشید) مراجعہ کنند و ضمناً خاطر نشان می کند کہ معالجہی امراض تناسلی در کلیہی مؤسسات صحی دولتی برای عموم اشخاص، از غنی و فقیر، مجانی است و دوا نیز مجاناً بہ ہمہ دادہ می شود (اسناد بلدیہی اصفہان: ش ۳۰۴).

۳-۴. جلوگیری از طبابت پزشکان بدون مجوز

بلدیه بر پروانه‌های کسب پزشکان نظارت داشت و از فعالیت پزشکان بدون مجوز جلوگیری می‌کرد (اسناد بلدیهی اصفهان: ش ۶۰).

۳-۵. کنترل داروخانه‌ها

بلدیه بر کار داروخانه‌ها هم نظارت می‌کرد. در سال ۱۳۰۴ ه.ش (۱۹۲۵ م)، صحنه‌ی کل مملکتی به وزارت داخله نوشت:

کمیسیون حفظ‌الصحه در جلسه‌ی ۲۰ اردیبهشت، تصمیم گرفته که دوافروشان مکلفند در آخر اعلانات منتشره در جراید برای فروش داروهای تجاری قید نمایند، بدون نسخه‌ی طیب فروخته نخواهد شد و این تصمیم باید به وسیله‌ی نظمیّه و بلدیه به موقع اجرا گذارده شود [...] (سعادت، ۱۳۷۰: ۲۹).

گاهی پیش می‌آمد که داروخانه‌ای به دلیل عدم رعایت موارد بهداشتی توسط اداره‌ی صحنه‌ی بلدیه بسته می‌شد (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران: ش ۱۴/۱۳۰/۳/۱۰). روزنامه‌های اصفهان نسبت به عدم رعایت قیمت توسط داروخانه‌های این شهر شاکه بودند و از بلدیه می‌خواستند که به این موضوع رسیدگی کند: «امروز هیچ قانون و قاعده‌ای در بین دواخانه‌های شهر اصفهان راجع به میزان قیمت ادویه‌ی مختلف وجود ندارد. هر دوافروشی به میل و به میزان انصاف خویش قیمت نسخه‌ی اطبا را تعیین و از خریدار مطالبه می‌کند [...]» (اخگر: ۱۳۰۹/۸/۱۹).

۳-۶. اقدامات بلدیه در زمینه‌ی بهداشت زنان

تا پیش از دوره‌ی رضا شاه، قابله‌ها سواد چندانی نداشتند و معلومات آنان فقط در حد موهومات و خرافاتی راجع به زنان بود که از معایب اصلی این شغل به‌شمار می‌رفت. استفاده از وسایل غیربهداشتی، نظافت نکردن محل زایمان و رعایت نشدن بهداشت شخصی قابله‌ها، به عفونت‌های شدید و مرگ مادران منجر می‌شد. بلدیه به‌عنوان بازوی اجرایی دولت در این دوره، به تأسیس مراکز و مؤسسه‌هایی پرداخت تا خواسته‌های

حکومت را انجام دهد. از جمله وظایفی که بر عهده ی بلدیة نهاده شده بود، توجه و اهتمام ویژه به بهبود وضعیت اجتماعی، بهداشتی و رفاهی آحاد جامعه، به ویژه زنان بود؛ بنابراین، برای بهبود وضعیت بهداشتی زنان، مدرسه ی قابلیتگی تأسیس شد که نخستین دورہ ی آن در سال ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه.ش، به طور رسمی به پایان رسید و نخستین گروه زنان فارغ التحصیل این مدرسه در تهران وارد کارهای بهداشتی و رفاهی مربوط به زنان شدند (بلدیة، ش ۶: ۳۰۰).

در فضای جدیدی از مشارکت زنان که در دورہ ی رضا شاه ایجاد شده بود، بلدیة به عنوان بازوی اجرایی حکومت، به تأسیس مراکز و مؤسساتی پرداخت که نیازهای زنان را پوشش دهد. با اهتمام بلدیة به این مسئله، برای بهبود وضعیت بهداشتی و درمانی زنان گام‌های بلندی برداشته شد که در رأس آن، برنامه ی «حفظ جان مادران و نوزادان»، به عنوان اصلی ترین سیاست بهداشتی دولت، قرار داشت. تأسیس بیمارستان‌های ویژه ی زنان و ایجاد مدرسه ی مامایی از دیگر اقدامات مهم این نهاد به شمار می‌روند. تدوین قانون تأسیس مدرسه و نظام‌نامه ی مربوط به آن در اولویت قوانین بهداشتی و پزشکی ایران در دورہ ی رضا شاه قرار گرفت (اتحادیة و ملک‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۱).

۷-۳. رعایت بهداشت عمومی

بلدیة در اعلان‌هایش، عموم مردم را به حفظ بهداشت شهرها و معابر ملزم می‌کرد و جریمه‌هایی هم برای متخلفان در نظر می‌گرفت.

مقررات بلدی راجع به عموم کسبه و خانه‌داران و عابریان

۱. شست‌وشوی البسه و کهنه و پارچه و فرش در انهار و منگل‌ها ممنوع است.
۲. ریختن لجن، آب حوض، خاکروبه و هر نوع کثافات در معابر ممنوع است.
۳. نگاه داشتن حیوانات و طیور در معابر ممنوع است.
۴. حلاجی کردن پنبه، سرند کردن ذغال، شکستن هیزم، کوبیدن تنباکو، تکاندن فرش، ریختن برف، ریختن پوست میوه‌جات و آشغال سبزیجات در معابر ممنوع است.

۵. ادرار کردن، کثافت نمودن، انداختن اخلاط سینه و آب بینی در معابر اکیداً ممنوع است.

۶. گذاشتن بساط و اشیاء دکاکین در معابر و تجاوز از حدود دکان ممنوع است.

۷. متخلفین بر طبق نظام‌نامه‌ی امور خلافی تعقیب می‌شوند. کفیل بلدیّه - سرهنگ بودرجمهری (اسناد ریاست جمهوری: ۴۷).

۸-۳. اقدام برای محدود کردن سگ‌های هار و خطرناک

یکی دیگر از اقدامات بلدیّه جمع‌آوری سگ‌های معابر بود که منشاء بیماری‌های مسری فراوانی بودند (اسناد بلدیّه‌ی اصفهان: ۷۸).

۹-۳. حفظ بهداشت مواد خوراکی

یکی از وظایف بلدیّه حفظ بهداشت مواد خوراکی بود که در بازار فروخته می‌شدند. بلدیّه فروشندگان را ملزم به رعایت مقررات بهداشتی می‌کرد؛ مثلاً فروشندگان باید دوغ و شربت و ... را در ظرف‌های دربسته و تمیز نگهداری می‌کردند و می‌فروختند (سازمان اسناد ملی ایران: ۲۹۳۲۸۹۳۳).

۱۰-۳. جلوگیری از فعالیت دستفروشان

بلدیّه در کار دستفروشان دخالت می‌کرد و به آنان اجازه‌ی فعالیت نمی‌داد و با این کار هم به وضعیت بهداشت عمومی رسیدگی می‌کرد و هم فضای مناسبی برای فعالیت اصناف فراهم می‌نمود. بلدیّه در این راه از نظمیّه هم کمک می‌گرفت (اسناد ریاست جمهوری: ۱۸۳؛ مرکز اسناد ملی: ۲۹۳۲۸۹۳۳).

۱۱-۳. نظارت بر اصناف

رعایت بهداشت اصناف شهر یکی از اهداف بلدیّه بود و برای این منظور نظام‌نامه‌هایی تدوین کرد. یکی از این نظام‌نامه‌ها، نظام‌نامه‌ی معاینه‌ی صحی اصناف اصفهان بود که ابتدا شامل صاحبان مشاغلی می‌شد که با بهداشت و سلامت عمومی جامعه سروکار داشتند؛ مانند قصابان، نانواها، غذاخوری‌ها و اصنافی از این دست. در ماده‌ی دوم این اعلان آمده

بود: «کلیه‌ی اصناف مذکور موظفند کتابچه‌ی معاینه‌ی صحی که حاوی مشخصات لازمه است، از صحیة بلدی دریافت دارند. تبصره- کتابچه‌ی مزبور مجانی خواهد بود و در صورتی که مفقود شود، دارنده‌ی آن بلافاصله باید المثنی آن را دریافت دارد. قیمت المثنی یک ریال خواهد بود». در ماده‌ی چهارم این اعلان آمده بود: «از تاریخ انتشار این نظام‌نامه الی انقضاء مدت دو ماه عموم افراد اصناف مذکوره در ماده‌ی ۱ موظفند که برای معاینه به صحیة بلدیة مراجعه و کتابچه‌ی معاینه‌ی خود را دریافت دارند. تبصره- کتابچه‌ی معاینه‌ی صحی را باید عموم افراد همیشه همراه داشته و در موقع مراجعه به مأمورین صلاحیت‌دار ارائه دهند». همچنین، در این اعلان ذکر شده بود: «متخلفین از این نظام‌نامه بر طبق ماده‌ی ۵ نظام‌نامه‌ی امور خلافی تعقیب و مجازات خواهند شد» (اسناد بلدیة اصفهان: ش ۶۳).

بلدیة بر کار اصنافی که مستقیم با مواد غذایی سروکار داشتند، نظارت می‌کرد. هریک از آشپزها و کبابی‌ها و غیره که متصدی طبخ و فروش آن هستند، پیشدامن سفید دربر نمایند و دست‌های آن‌ها پاک و تمیز و اثاثیه‌ی آن‌ها جدید و تمیز باشد و هرشش ماه، عموماً در صحیة بلدیة معاینه شوند و هریک مبتلا به امراض مسریه‌اند از کار و شغل معاف و مشغول معالجه باشند (اخگر: ۱۳۰۹/۱۰/۸).

همچنین، از سوی اداره‌ی بلدیة به اصناف خوراک‌پز و میوه‌فروش و قناد و حمامی و مستخدمین مهمان‌خانه‌ها اخطار می‌شد که طبق نظام‌نامه‌ی معاینه‌ی صحی بلدی، باید در یک تاریخ مشخص در صحیة بلدی معاینه شوند و کتابچه‌ی معاینه‌ی صحی را که مجانی بود، دریافت کنند و همیشه با خود داشته باشند که در موقع مراجعه به مأمورین صلاحیت‌دار بلدی ارائه دهند (اخگر: ۱۳۱۱/۱۱/۲۴). رعایت وضعیت بهداشتی مغازه‌ها و استفاده از وسایل بهداشتی و تجهیز مغازه‌ها به درب‌های شیشه‌ای یا چوبی و تمیز (اسناد ریاست جمهوری: ش ۱۲۰) و نظافت دیوارها و کف مغازه‌ها و ... نمونه‌هایی از این اقدامات بودند.

۱۲-۳. نظارت بر قصابی‌ها

انجمن بلدیة در کنار بلدیة فعالیت می‌کرد و اعضای آن که با انتخابات مشخص می‌شدند و بر امور بلدیة و شهر نظارت داشتند، در مواردی به بلدیة کمک می‌کردند. یکی از اقدامات آن‌ها در زمینه‌ی نظافت شهر در برابر آلودگی‌های دام‌ها و نظارت بر امور قصابی‌ها بود. [...]. مطابق قانون بلدیة یکی از تکالیف انجمن این است که در حفظ صحت نوع خود اقدام نمایند و از جمله‌ی آن منع کردن قصاب‌ها است که در شهر گوسفند نکشند که این مطلب اسباب عفونت هوا و تکوین میکروب و با و سایر امراض مسریه و دردهای بی‌دواست [...] (انجمن بلدیة، ش ۴: ۲).

انجمن در این راستا، کشتار دام را در شهر ممنوع کرد و در رفع «کثافت‌ها»ی شهری کوشید و برنامه‌ی «تنظیف حمام‌ها و کوچه‌ها» را در دستور کار خود قرار داد (انجمن مقدس ملی اصفهان، ش ۴۶: ۳). اقدام دیگر بلدیة، جلوگیری از ذبح دام در معابر بود (اسناد ریاست جمهوری: ۲۴۵).

بلدیة برای سروسامان دادن به این اوضاع، وارد عمل شد. انجمن بلدیة به جلوگیری از ذبح دام در شهرها مبادرت می‌کرد. روزنامه‌ی *انجمن بلدیة* در این زمینه نوشته است: «از جمله‌ی آن منع قصاب‌ها است که در شهر گوسفند نکشند که این مطلب اسباب عفونت هوا و تکوین میکروب و با و سایر امراض سیر و دردهای بی‌دواست». انجمن بلدیة افرادی را که به ذبح و کشتار غیربهداشتی دام در مراکز شهری و جمعیتی می‌پرداختند، ملزم به رعایت این قانون می‌کرد (انجمن بلدیة، ش ۴: ۲).

۴. نتیجه‌گیری

دراثر اوضاع اسفبار بهداشتی در ایران دوره‌ی قاجار، لزوم اصلاحات و اقداماتی برای سروسامان دادن به وضعیت بهداشتی جامعه کاملاً احساس می‌شد و نهاد بلدیة بخشی از این وظیفه را برعهده گرفت. بخش مهمی از وظایف بلدیة رسیدگی به وضعیت بهداشتی جامعه بود و بر اثر اقدامات بلدیة، وضعیت بهداشت جامعه بهبود یافت. نظارت بلدیة بر حمام‌ها و آب‌های آشامیدنی از شیوع بیماری‌های واگیردار جلوگیری کرد. بیشتر حمام‌ها در اثر

اقدامات بلدیة، دوش دار شدند. نظافت معابر عمومی از طریق جمع آوری زباله‌ها و سگ‌های ولگرد و فرهنگ‌سازی برای تمیز نگه داشتن معابر از اقدامات مهم بلدیة به‌شمار می‌روند.

بلدیة با نظارت بر پزشکان و بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها، به جلوگیری از شیوع بیماری‌های گوناگون پرداخت و داروهای مورد نیاز برای بیماران گوناگون را فراهم کرد. اقدام بلدیة در سروسامان دادن به وضعیت بهداشتی اصنافی که با مواد خوراکی سروکار داشتند و الزام آن‌ها به رعایت قوانین بهداشتی بلدیة، به این حوزه هم سروسامانی داد. در پایان، نتیجه می‌گیریم که بلدیة در دورہی پهلوی، در اجرای وظایفش در زمینه‌ی بهداشت جامعه تقریباً موفق بود و توانست با اقداماتش به وضعیت بد بهداشتی ایران سامانی بدهد.

منابع

- اتحادیة، منصوره و الهام ملک‌زاده. (۱۳۸۸). «بهداشت و اقدامات خیریه‌ی بهداشتی در دورہی رضا شاه». *فصلنامه‌ی تاریخ اسلام و ایران*. س ۱۹. د جدید. ش ۳ (پیاپی ۷۹). دانشگاه الزهراء.
- اشراقی، فیروز. (۱۳۷۸). *اصفهان از دید سیاحان خارجی*. اصفهان: آتروپات.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی. (۱۳۶۷). *موات‌البلدان*. به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- افاضلی، اکبر. (۱۳۷۳). *توشه‌ای از تاریخ گلپایگان و مردم آن*. تهران: ابجد.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). *سفرنامه‌ی پولاک؛ ایران و ایرانیان*. ترجمه‌ی کیکاووس جهان‌داری. تهران: خوارزمی.
- دیولافوا، ژان. (۱۳۷۸). *سفرنامه‌ی مادام دیولافوا (ایران و کلدۀ، شوش)*. ترجمه‌ی ایرج فره‌وشی. تهران: قصه‌پرداز.
- رجایی، عبدالمهدی. (۱۳۸۳). *تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل‌السلطان از نگاه روزنامه‌ی فرهنگ اصفهان*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

- _____ (۱۳۸۷). **تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره‌ی پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴)**. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- ساتن، الول. [بی تا]. **رضا شاه کبیر یا ایران نو**. ترجمه‌ی عبدالعظیم صبوری. تهران: چاپ افست علمی.
- سعادت، ابراهیم. (۱۳۷۰). **تاریخ پیشرفت‌های پزشکی در ۷۰ سال اخیر از ۱۳۰۰ الی ۱۳۷۰**. تهران: مؤلف.
- سلطانزاده، حسین. (۱۳۶۵). **مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران**. تهران: آبی.
- فوریه، ژرار. (۱۳۶۳). **سه سال در دربار ایران**. ترجمه‌ی عباس اقبال. تهران: علمی.
- کاظمیان، غلامرضا و نوید سعیدی رضوانی. (۱۳۸۳). **امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها**. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۰). **تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران**. تهران: دانشگاه تهران.
- نیامی، علی. (۱۳۴۹). **مدیریت شهری، شهرداری در ایران**. تهران: بازرگانی.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۵). **مبانی آموزش بهداشت**. تهران: طهوری.

نشریات

- **اخگر**. (۱۳۰۷/۸/۱۶). س ۱. ش ۴۸.
- _____ (۱۳۰۹/۸/۱۹). س ۲. ش ۴۵۷.
- _____ (۱۳۰۷/۸/۲۳). س ۱. ش ۱۳.
- _____ (۱۳۱۱/۱۱/۲۴). س ۵. ش ۸۲۱.
- _____ (۱۳۱۱/۳/۲۶). س ۴. ش ۷۵۶.
- _____ (۱۳۰۹/۱۰/۸). س ۲. ش ۴۸۵.
- **انجمن بلدیة**. (۱۳۲۵). س ۱. ش ۴.
- **انجمن مقدس ملی اصفهان**. (۱۳۳۵). س ۱. ش ۴۶.
- **بلدیة**. (۱۳۰۰). ش ۳.

اسناد منتشر شدہ

- سند شمارہی ۵/۱۳۵/۲۶/۱/۹۴. تاریخ ۱۳۰۴/۱۱/۲۰. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شمارہی ۶/۲۴/۱۶/۲/۱۶۳. تاریخ ۱۳۰۵/۹/۱۹. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شمارہی ۶/۳۲/۱۷/۳/۲۰۷. تاریخ ۱۳۰۶/۷/۲۰. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شمارہی ۶/۴۳/۲۰/۱/۱۴۹. تاریخ ۱۳۰۶/۱۰/۲. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شمارہی ۷/۱۳۵/۲۴/۱/۳۳. تاریخ ۱۳۰۹/۳/۲۷. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شمارہی ۱۰/۱۷۵/۲۵/۱/۵. تاریخ ۱۳۱۴/۴/۶. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شمارہی ۱۰/۱۳۰/۳/۱/۱۴. تاریخ ۱۳۱۴/۷/۲. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شمارہی ۲۹۳۳۲۰۴۶. تاریخ ۱۲۹۳/۷/۱۶. مرکز اسناد ملی ایران.
- سند شمارہی ۲۹۳۲۸۹۳۳. تاریخ ۱۳۱۱/۱/۱۷. مرکز اسناد ملی ایران.
- سند شمارہی ۳۵۰۹۲۶۱. تاریخ ۱۳۱۸/۵/۱۳. مرکز اسناد ملی ایران.

اسناد منتشر شدہ

- **اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف (۱۳۲۰ - ۵۱۳۰۰ ش).** (۱۳۸۰). به کوشش رضا مختاری اصفہانی. تهیه و تنظیم معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی:
- سند شمارہی ۴۷. اسناد ریاست جمهوری. [بی تا].
- سند شمارہی ۱۲۰. اسناد ریاست جمهوری. تاریخ ۱۳۰۹/۵/۲۳.
- سند شمارہی ۱۸۳. اسناد ریاست جمهوری. تاریخ ۱۳۱۱/۱۲/۸.
- **اسناد بلدیہ و شہرداری اصفہان از انقلاب مشروطہ تا انقلاب اسلامی.** (۱۳۹۱). گردآوری دیبا ہاشمی فشارکی. اصفہان: سازمان فرهنگی تفریحی شہرداری اصفہان:
- سند شمارہی ۵۹. اسناد بلدیہی اصفہان. تاریخ ۱۳۱۱/۹/۲۸.
- سند شمارہی ۶۰. اسناد بلدیہی اصفہان. تاریخ ۱۳۱۱/۱۰/۲۱.
- سند شمارہی ۶۳. اسناد بلدیہی اصفہان. تاریخ ۱۳۱۱/۱۱/۲۰.
- سند شمارہی ۷۱. اسناد بلدیہی اصفہان. تاریخ ۱۳۱۵/۶/۱۶.
- سند شمارہی ۷۸. اسناد بلدیہی اصفہان. [بی تا].